

## نام‌های خاص در ذخیره لغوی فارسی باستان

ذخیره لغوی فارسی باستان به زحمت به مرز هزار واژه می‌رسد. از این معدود، ۱۳۲ واژه مربوط به نام‌هایی است که در نوشته‌ها آمده‌اند. - بیشتر نام دولتمردان و شورشیان و شهرها و کمتر نام چند کوه و ماه از سال و رود. نه آن هزار واژه همه ذخیره لغوی فارسی باستان می‌تواند باشد و نه این ۱۳۲ نام، نام همه ایرانیان، با شهرها و کوه‌ها و رودها و ماه‌ها و همسایه‌هایشان، و درست به این اعتبار، این هزار واژه میراثی است گرانبها و اندوختنی. نام انسان‌ها، که اغلب نام دولتمردان و شورشیان است، بیشتر مرکب است و گویای تمایلات نام‌گذاران.

جز در مورد «آناهیتا» از اسم زن و در نتیجه از نقش زن خبری نیست و ۳۵ نام مؤنثی که داریم بیشتر از آن شهرها و کشورها و دژها است و در یکی دو مورد از آن رودی و کوهی.

به دنبال سلسله مقاله‌هایی که در سال دوم چپستا درباره تاریخ خط میخی فارسی باستان داشتیم، اینک می‌پردازیم به ذخیره لغوی این زبان و برخی از ویژگی‌های دستوری آن.

یادآوری این نکته ضروری است، که بیشترین تکیه‌مان در این نوشته بر کتاب «راه‌های تازه در فارسی باستان» پروفیسور والتر هینتس بوده است.

۱-  $\text{abirad}^u\text{š}$   $\text{abirāduš}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$

[ابی‌رادوش]، مفرد، مذکر: نام کوهی در ایلام (خوزستان).

۲-  $\text{acin}$   $\text{ācina}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$

فارسی مردی ایلامی. ظاهراً مخفف - āçidāta (= آتشداد).

۳-  $\text{açiyad}^i\text{iy}$   $\text{āçiyā}^i\text{iya}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$

[یادیه]، مفرد، مذکر: نام ماه نهم. - ماه پرستاری از آتش، āçiyādiyahya، حالت اضافه.

۴-  $\text{ad}^u\text{kniš}$   $\text{ādukaniš}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$   $\text{𐎠𐎡𐎴𐎧𐎺𐎠}$

[یش]، مفرد، مذکر: نام ماه اول. - ماه قنات کنی.

۵- < ۴۰ 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (aurmzda) ahuramazdah  
 [اهوره مزداه]، مفرد، مذکر: خدای دانا = خدای پردان. ahurahya mazdāha :  
 ( aurhy mzdah ) حالت اضافه ، ahuramazdāha (aurmzda) ahuramazdah همچنین  
 ( aurmzdaha و aurmzdha ) : حالت اضافه ،  
 (aurmzdam) ahuramazdam : حالت مفعول بی واسطه،  
 ( aurmzdamiy ) : حالت مفعول با واسطه با ضمیر اول شخص مفرد (اهورمزدا به  
 (aurmzdatiy) ahuramazda-tai : حالت مفعول با واسطه با ضمیر دوم  
 شخص مفرد (اهورمزدا به تو) .

۶- ahuramazdā-hiδūgam ( aurmzdah<sup>u</sup>ugm )  
 [اهورمزدا - هیذوگم]، مفرد، خنثی، حالت مفعول بی واسطه. سوگندی به اهور مزدا  
 (اهورمزدا را سوگند) .

۷- 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (ain [ir] hya) ainairahya  
 مفرد ، مذکر ، حالت اضافه : از آن انیری . - انیری نام خاص یکی از بابلیان .  
 ۸- 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (anht) anāhitā  
 نام یکی از خدایان بزرگ ایران باستان . - بی آرایش ، از پیشوند نفی - an و  
 āhita = آلوده ، ناپاک .

۹- 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (anamk) ānāmaka  
 نام ماه دهم . - ماه خدای بی نام = نام بالاترین و بزرگترین خدایان. anāmakahya  
 (anamkhy) : حالت اضافه .

۱۰- 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (apdan) apadana  
 مفرد ، مذکر ، مفعول بی واسطه : آپادانا . - کاخ ستون دار را . فارسی نو : ایوان .

۱۱- 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (arbay) arbaya  
 عربستان، عرب.

۱۲- 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (arx) araxa  
 از ارمنیان . (arxm) araxam ، مفعول بی واسطه .

۱۳- 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (arkdriš) arakadriš  
 مفرد، مذکر: نام یکی از کوه‌های پارس. احتمالاً بخش دوم این واژه ádri باشد، که  
 در ایرانی باستان صخره معنی می‌دهد.

۱۴- 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (arbiraya) arbairāyā  
 [اربه ایرایا]، مفرد، مؤنث، مفعول فیه: در اربیل (نام شهری میان موصل و کرکوک).

۱۵- 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 𐬀𐬀𐬀 (ar [...] n [...]) ardimaniš  
 مفرد، مذکر:

نام یکی از پارسیان. تقریباً: نیک منش.

۱۶-  $\text{arm}^{\text{in}} \text{armina}$   $\text{𐎠𐎼𐎷}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎫}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎫}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎫}$   $\text{𐎠𐎹}$  (arm<sup>in</sup>) arm<sup>in</sup>a [ارمینه]، مفرد، مذکر: ارمنستان، (arm<sup>inm</sup>) arminiam [ارمی‌نیم]: مفعول بی‌واسطه، arminya (arm<sup>iniy</sup>): ارمنی، arminay (arm<sup>iniyiy</sup>): مفعول فیه (در ارمنستان).

۱۷-  $\text{ariy} \text{arya}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (ariy) ariya [اریه]، مفرد، مذکر: آریایی = ایرانی. ۱۸-  $\text{ariyarmn} \text{aryāramna}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (ariyarmn) aryāramna [اریارمنه]، مفرد، مذکر: آریارمن. نام جد داریوش. تقریباً: آرامش دهنده ایرانیان. (ariyarmnhy) aryāramnahya: حالت اضافه (از آن آریارمن).

۱۹-  $\text{ariyarš} \text{aryārša}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (ariyarš) aryārša [اریارشه]، مفرد، مذکر: نام یکی از ایرانیان. — ایرانیان پهلوان. از — ršan = پهلوان و — arya = ایرانیان.

۲۰-  $\text{asgrt} \text{asagrtā}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (asgrt) asagrtā [اسگرته]، مفرد، مذکر: نام یکی از کشورهای تابع شاهنشاهی ایران (تقریباً کردستان امروز)، asagrtai (asgrtiy): حالت مفعول فیه، (asgrtm) asagrtam: حالت مفعول بی‌واسطه.

۲۱-  $\text{asp}^{\text{čn}^{\text{a}}} \text{aspačanāh}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (asp<sup>čn<sup>a</sup></sup>) aspačanāh [اسبه چه‌ناه]، مفرد، مذکر: نام یکی از کارمندان بلند پایه داریوش. — تقریباً: اسب دوست. از aspa- = اسب (مادی) و — cānas = دوست داشتن (ایرانی باستان).

۲۲-  $\text{ā} \text{θiyābouxšna}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (a<sup>θ</sup>iabušn) [آثیه بشوخشنه]، مفرد، مذکر: نام یکی از پارسیان. تقریباً: آسیب‌رهان = اندوه‌زدا. از — ā<sup>θ</sup>i = آسیب = اندوه (اوستایی) و — bauxtar = رهاننده (اوستایی). (a<sup>θ</sup>iyabušnhya [a]) ā<sup>θ</sup>iyābouxšnahya: حالت اضافه.

۲۳-  $\text{ā} \text{θiyābouxsta}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (a<sup>θ</sup>iyabušt) [آثیا بشوخشنه]، مفرد، مذکر: نام یکی از پارسیان. — تقریباً: آسیب‌رها = رها از اندوه.

۲۴-  $\text{a} \text{θurā}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (a<sup>θ</sup>ura) a<sup>θ</sup>urā [ا<sup>θ</sup>ورا]، مفرد، مؤنث: سوریه، (a<sup>θ</sup>uraya) a<sup>θ</sup>urāyā: مفعول فیه (در سوریه)، (a<sup>θ</sup>uriy) a<sup>θ</sup>urya: سوری.

۲۵-  $\text{autiyar} \text{autiyāra}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (autiyar) autiyāra [ا<sup>θ</sup>وتیاره]، مفرد، مذکر: نام محلی در ارمنستان.

۲۶-  $\text{babir}^{\text{u} \text{š}} \text{bābiruš}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$   $\text{𐎠𐎹}$  (babir<sup>u</sup>š) bābiruš [بابیروش]، مفرد، مذکر: بابل، (babiruš) bābirauš: حالت اضافه و مفعول عنه، (babir<sup>u</sup>um) (babir<sup>u</sup>um): حالت مفعول بی‌واسطه، بابل‌دا، به‌سوی بابل، (babiruv) bābirau.



dāravayahum (daryvum) : حالت مفعول بی واسطه، dāravayahušahya (daryvušhya) و darayavašhya (daryvšhya) هر دو شکل های تحریف شده و متأخر daryvhuš : حالت اضافه.

۳۸- [d<sup>u</sup>ubal] dubāla [دوباله] ، مفرد، مذکر: نام محلی در بابل .

۳۹- ātuvahyah [dat<sup>u</sup>uv]hy [ذاتووه] ، مفرد، مذکر: نام یکی از پارسیان . — بهترزاد

= بهزاد . dāt<sup>u</sup>uvhyhya (dat<sup>u</sup>uvhyhya) : حالت اضافه .

۴۰- (frad)frāda [فراده] ، مفرد، مذکر: نام یک شورش از مرو.

۴۱- (frvrtiš)fravartiš [فروه رتیش] ،

مفرد، مذکر: نام یکی از مادیان. به معنی برگزیده. از پیشوند — fra و — var = گزیدن.

(frvrtiš) fravartaiš : حالت اضافه ، (frvrtim) fravartim : حالت مفعول بی واسطه .

۴۲- (gdar) gandāra [گنداره] ، مفرد، مذکر :

قندهار ، (gdara) gandārā : مفعول عنه ، (gdary) gandārāya : قندهاری .

۴۳- (gdumava) gandumava (در اصل gd<sup>u</sup>utv)

نوشته شده است) [گندومهوه] ، مفرد، مذکر : نام محلی در جنوب افغانستان . در ارتباط با واژه گندم فارسی نو .

۴۴- (grmpd) garampada [گهره م پده] ،

مفرد، مذکر: نام ماه چهارم. — ماه گرم گرم گرما (grmpdhy) garampadahya : حالت اضافه .

۴۵- (gubr<sup>u</sup>uv) gaubarva [گتوبروه] ،

مفرد، مذکر: نام نیزه دار داریوش (گوبریاس).

۴۶- (gumat)gaumāta [گتوماته] ، مفرد،

مذکر: گتومات. (gumtm) gaumātam : حالت مفعول بی واسطه .

۴۷- (hdxy) hadaxaya [هه ده خه یه] ، مفرد،

مذکر: نام یکی از پارسیان .

۴۸- (hgmtaniy)hagmatānai [هگمتانه] ، مفرد، مذکر: حالت مفعول فیه ، در همدان .

۴۹- (hxamniš) haxāmaniš [هخامنیش] ، مفرد، مذکر: جد اعلای داریوش. تقریباً : دوست اندیش از — haxā =

هخامنیش] ، مفرد، مذکر: جد اعلای داریوش. تقریباً : دوست اندیش از — haxā =

هخامنیش] ، مفرد، مذکر: جد اعلای داریوش. تقریباً : دوست اندیش از — haxā =

دوست و — man = اندیشیدن . haxāmanišahya (hxamnišhya) : حالت  
اضافه، haxāmanišya (hxamnišiy) : هخامنشی .

۵۰ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << haldita (hld<sup>h</sup>it) [هلدیته] ، مفرد، مذکر:  
نام یکی از ارمنیان . halditahya (hld<sup>h</sup>ithy) : حالت اضافه .

۵۱ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << haraiva (hriv) [هه ره تیوه] ، مفرد، مذکر:  
هرات .

۵۲ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << haraxvatiš (hruvtiš) [هه  
ره خوہ تیش] ، مفرد، مؤنث: آراخوزیا (جنوب افغانستان حدود قندهار) haraxvatim.  
(hruvtim) : حالت مفعول بی واسطه . به سوی آراخوزیا . haraxvatiyā .  
(hruvtiya) ، مفعول فیه و مفعول عنه ، در آراخوزیا ، از آراخوزیا ،  
( hruvtiy ) : آراخوزیایی .

۵۳ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << hinduš (hid<sup>u</sup>uš) [هیندوش] ،  
مفرد، مذکر: هندوستان، سند. hindau (hiduv) : مفعول عنه، hinduya (hid<sup>u</sup>uy):  
هندی .

۵۴ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << hutāna ([u]ta[n]) [هوتانه] ، مفرد، مذکر: هوتان  
= اوتان ، نام یکی از ایرانیان . — تقریباً : خوش خالف .

۵۵ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << huyavā (u[yv]a) [هویهوا] ، مفرد، مؤنث:  
نام دژی در ارمنستان .

۵۶ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << hūža (u] و uv]) [هوژا] ، مفرد، مذکر: ایلام . ریشه اهواز  
و خوزستان و هویزه؟ hūžam (uv]m) : مفعول بی واسطه . hužai (uv]iy) و  
(ujiy) : مفعول فیه ، hūžiya (uv]iy) : ایلامی، užiyaibiš (uv]iyibiš) :  
ایلامی ها، با ایلامی ها.

۵۷ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << xšarita (xšarit) [خشه ژریته] ، مفرد ،  
مذکر : نام یکی از مادی ها .

۵۸ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << xšayaršā (xšyarša) [خشه یرشا] ، مفرد، مذکر: خشایارشا . — فرمانروا بر بهلوانان، از — xšaya = فرمانروا  
[بر] و — ršan = بهلوان . xšayaršāha (xšyar]šah و xšya[ršah]) : حالت  
اضافه، xšayaršahaya (xšyaršhya) شکل تحریف شده متأخر) : حالت اضافه،  
(xšyaršam) xšayaršām : حالت مفعول بی واسطه .

۵۹ - 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 𐎧𐎡𐎴 << xvāšaičaya (uvadičy) [خوادذهئی چه یه] ، مفرد ، مذکر : نام شهری در پارس .



مفعول عنه: از تویی. k<sup>u</sup>šāya (k<sup>u</sup>šay) ک<sup>u</sup>šāya به جای k<sup>u</sup>šiya : نویایی ، k<sup>u</sup>šiyā  
(k<sup>u</sup>ušiya) : نویایی‌ها.

۷۴- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤 𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(lbnan) labanāna [لبه نانه] ، مفرد ،  
مذکر: لبنان.

۷۵- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(mčiy) mačya [مه‌چیه] ، مفرد ، مذکر: مکرانی.  
(mčiya) mačyā : مکرانی‌ها .

۷۶- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(mad) māda [ماده] ، مفرد ، مذکر: مادی ، ماد.  
(madm) mādam : مفعول بی‌واسطه ، به سوی ماد. (madiy) mādai : مفعول فیه ،  
(mada) mādā : مادی‌ها ، (mad[ibi]š) mādaibiš : مفعول معه ، جمع: با  
مادی‌ها. (madišuva) mādaišuvā : نزد مادی‌ها. (madmča) mādam — ča :  
هم ماد وهم ...

۷۷- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(mk) maku [مه‌که] ، مفرد ، مذکر: مکران .

۷۸- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(mrg<sup>u</sup>š) marguš [مرگوش] ، مفرد ، مذکر:  
ناحیه مرو. (mrg<sup>u</sup>um) margum : مفعول بی‌واسطه ، (marguv) mārgau :  
مفعول فیه ، (margv) mārgava : مروی ، (margvibiš) mārgavaibiš :  
مفعول معه ، جمع : با مروی‌ها .

۷۹- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(mrtiy) martiya [مرقی‌یه] ، مفرد ، مذکر:  
مرد (دراصل مردنی = انسانا) ، همچنین نام خاص.

۸۰- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(ma[r<sup>u</sup>u]š) mārūš [ماروش] ، مفرد ، مذکر:  
نام شهری در ماد .

۸۱- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(m<sup>i</sup>itr و m<sup>i</sup>tr) mitra [میتره] ، مفرد ، مذکر: میترا.  
اوستایی: — miθra (= پیمان) ، ایرانی باستان : mitrā (= دوست) .

۸۲- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(m<sup>i</sup>iθr و miθr) miθra [میتره] ، مفرد ، مذکر:  
میترا .

۸۳- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(mrd<sup>u</sup>uniyhya[a]) [مردون‌یهیه] ، مفرد ، مذکر: نام یکی از پارسیان . — حالت اضافه.

۸۴- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(nbuk<sup>u</sup>drčr) [نبوکودره‌چره] ، مفرد ، مذکر: نبوکدترار .

۸۵- < 𐭠𐭡𐭢𐭣𐭤𐭥𐭦𐭧𐭨𐭩𐭪𐭫𐭬𐭭𐭮𐭯𐭰𐭱𐭲𐭳𐭴𐭵𐭶𐭷𐭸𐭹𐭺𐭻𐭼𐭽𐭾𐭿  
(nbunithya) [نبون‌ئیهیه] ، مفرد ، مذکر: حالت اضافه نام خاص یکی از بابلیان  
(Naboned) .



۸۶- [nd<sup>i</sup>itbir) niditbaira = < 𐬨𐬀 𐬢𐬀 𐬀𐬢𐬀 𐬀𐬢𐬀 𐬀𐬢𐬀 ] (ندیت به تیره)،  
 مفرد، مذکر: نام یکی از بابلیان (نیدیت بل)، (nd<sup>i</sup>itbirhya) niditbairahya ،  
 حالت اضافه ، (nd<sup>i</sup>itbirm) niditbairam : حالت مفعول بی واسطه ، به سوی  
 نیدیت بل .

۸۷- (nisay) nisāya = < 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 ] (نیسایه)، مفرد، مذکر: نسا.  
 نام محلی در ماد .

۸۸- paišyāxvādā 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀  
 (pišiyauvada) [په ئیش یاخ وادا] ، مفرد ، مؤنث: ظاهراً نام ناحیه ای در حوالی  
 پاسارگاد. از — paišya = پیش و svadhā = محل سکونت (ایرانی باستان)، فارسی  
 نو: «سواد». بنابراین «حوالی محل سکونت». (pišiyauvadam) paišyāxvādām .  
 حالت مفعول بی واسطه ، به سوی پیش یاخ وادا . paišyāxvādāyā .  
 (piš[ya]uvadaya) : حالت مفعول عنه.

۸۹- (pars) pārša 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀  
 (فارسی) ، پرسپولیس (تخت جمشید). (parshya) pārshahya : حالت اضافه ،  
 (parsm) pārsmam : حالت مفعول بی واسطه : پارس را ، پارسی را ، به سوی پارس ،  
 (parsa) pārśā : مفعول عنه ، (parsiy) pārśai : مفعول فیه ، (parsa) pārśā :  
 مفعول معه : با پارسی ها ، ana pārśā : از طریق پرسپولیس (تخت جمشید) ،  
 (parsmča) pārsmam — ča : هم پارس وهم ...

۹۰- (prθv) parθava 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀  
 پارتی، پارت. (parθviy) parθavi : مفعول فیه ، (prθvibiš) parθavaibiš :  
 مفعول معه : با پارتیان.

۹۱- (ptigrbna) patigrabanā 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀  
 [پتیکره بنا] ، مفرد ، مؤنث: نام شهری در پارت. ظاهراً شهری که در آن جا گمرک  
 گرفته می شده است . از — grab گرفتن .

۹۲- (pirav) pirāva 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀  
 [پیراوه] ، مفرد ، مذکر: نیل .

۹۳- (prg) prga 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀  
 [پرگه] ، مفرد ، مذکر: نام کوهی در پارس ،  
 امروز: فرگ (forg) .

۹۴- (putay) putāya 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀  
 [پوتایه] ، مفرد ، مذکر:  
 پونتی (مردی از پونت = سومالی؟). (putaya) puntāyā : پونتی ها .

۹۵- (rga) ragā 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀 𐬢𐬀  
 [رگا] ، مفرد ، مؤنث: دی . ragāyā .  
 (rgaya) : مفعول عنه .

۹۶- (rxa) raxā 𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [رخا]، مفرد، مؤنث: نام شهری در پارس.  
 ۹۷- (aršada) ršādā 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [ارشادا]، مفرد، مؤنث:  
 نام دژی در آراخوزیا (شاید قندهار امروز).

۹۸- (aršk) rška 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [رشکه]، مفرد، مذکر: نام خاص  
 پارسی. از - ršan = پهلوان و پسوند - ka.

۹۹- (aršam) ršāma 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [رشامه]، مفرد، مذکر:  
 آرشام (پدر بزرگ داریوش). (aršamhya) ršāmah: حالت اضافه.

۱۰۰- (artxšça) rtaxšaçā 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [رتخشثره]، مفرد، مذکر: اردشیر. تقریباً: فرمانروایی فضیلت (= هنر).  
 rtaxšaçahya. (artxšçhya): حالت اضافه، (artxšçam) rtaxšaçam شکل تحریف شده متأخر:  
 حالت مفعول بی واسطه.

۱۰۱- (artvrđ<sup>i</sup>iy) rtavarđya 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [ارته وردیه]، مفرد، مذکر: نام پارسی. تقریباً: فضیلت مؤثر می افتد! از - rta = فضیلت  
 و - varđ = مؤثر افتادن. (artvrđ<sup>i</sup>iy) rtavarđyam: حالت مفعول بی واسطه.

۱۰۲- (ska) saka 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [سه که]، مفرد، مذکر: کشوری آن سوی سفد. sakā  
 (ska): سکائی ها. (ska) sakān: حالت مفعول بی واسطه، جمع، سکائی ها. sakai biš.  
 (skibiš): مفعول عنه: از سکائیان، از کشور سکائیان. (ska) sakā مؤنث .saka  
 (skam) sakām: حالت مفعول بی واسطه، به سوی سه که.

۱۰۳- (sik[y]uvtiš) sikayaxvatiš 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [سیکه یخ وه تیش]، مفرد، مؤنث: نام دژی در ماد.

۱۰۴- (sk<sup>u</sup>udra) skudra 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [سکودره]، مفرد، مذکر:  
 ناحیه ای در مقدونیه.

۱۰۵- (sk<sup>u</sup>ux) skunxa 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [سکونجه]، مفرد، مذکر: نام  
 یکی از شاهان سکائی.

۱۰۶- (sprd) sparda 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [سپرده]، مفرد، مذکر: سارد، لیدی.  
 (sprda) spardā: مفعول عنه.

۱۰۷- (sug<sup>u</sup>d) sugda 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [سوغده]، مفرد، مذکر:  
 سفد. (sugdm) sugdam: حالت مفعول بی واسطه، (sug<sup>u</sup>uda) sugdā:  
 مفعول عنه.

۱۰۸- (txmšpad) Taxmaspāda 𐬀𐬭𐬀 𐬭𐬀 𐬭𐬀 [تخمه سپاده]، مفرد، مذکر: یکی از سرداران داریوش.

۱۰۹ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀 (tarva) Tāravā [تاروا]، مفرد؛ مؤنث: طارم = تارم. شهری در ایران.

۱۱۰ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀 (tigr) Tigra [تیگره]، مفرد، مذکر: نام دژی در ارمنستان.

۱۱۱ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (θaigrčiš) θaigračiš [ته‌ئیگره چیش]، مفرد، مذکر: نام ماه سوم. - ماه سیرچینی. θaigra = سیرو - čī = چیدن. θaigračiš (θaigrčiš): حالت اضافه.

۱۱۲ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (θataguš) θataguš [ته‌گوش]، مفرد، مذکر: پنجاب امروز. سرزمین پر گاوا از satəm اوستایی = صد (ایرانی باستان: sātām و gav = گاوا. [سرزمین] صد = زیاد = پر گاوا. θataguvya (شکل متأخر θatg<sup>u</sup>uiy): اهل ته‌گوش.

۱۱۳ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (θuxr) θuxra یکی از پارسیان (θuxrhya) θuxra: حالت اضافه.

۱۱۴ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (θurvahr) θūravāhara [ثورده واهه ره]، مفرد، مذکر: نام ماه دوم. - ماه بهار نیرومند = ماه بهار در بهترین زمان بهاری از - sūra = نیرومند و بهار فارسی نو. θūravāharahya (θurvahrhya): حالت اضافه.

۱۱۵ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (updrm) upadrama [اوپدرمه]، مفرد، مذکر: نام پارسی یکی از ایلامیان. drāmati به ایرانی باستان یعنی می‌دود. به این ترتیب تقریباً: همراه. upadramahya (updrmhya): حالت اضافه.

۱۱۶ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (vhu[kh]y[a]) vahaukahya [وهه او کهیبه]، مفرد، مذکر: نام یکی از پارسیان در حالت اضافه.

۱۱۷ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (vum<sup>i</sup>is) vhumisa [وهومیسد]، مفرد، مذکر: نام یکی از پارسیان. vhumisam (vum<sup>i</sup>ism): حالت مفعول صریح.

۱۱۸ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (vh?[y]sp[rv]hya) vahyasparvahya [وهیه سپروهیبه]، مفرد، مذکر: حالت اضافه نامی پارسی. - نخستین بهتر. از - vahyah = بهتر و - parva = نخستین.

۱۱۹ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (vhyv<sup>i</sup>šdāpaya) vahyavišdāpaya [وهیه ویشداپایه]، مفرد، مذکر: نام یکی از پارسیان.

۱۲۰ - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬵𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀𐬎𐬀 (vhyzdat) vahyazāta [وهیز ذاته]، مفرد، مذکر: نام یکی از پارسیان. - بهتر زاد. از - vahya

بهرت و  $\delta\acute{a}ta = \text{Zad}$  . vahyaz $\delta\acute{a}ta$ hya (uhyzdathy): حالت اضافه ،  
(vhyzdatm)vahyaz $\delta\acute{a}t$ am: حالت مفعول بی واسطه.

۱۲۱- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | vašdāsaka (مغشوش všdask)  
[وشداسه که]، مفرد، مذکر: نام یکی از پارسیان.

۱۲۲- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | vidrna (v<sup>i</sup>idrn) [ویدرنه] ، مفرد، مذکر: نام  
یکی از پارسیان. — تقریباً کسی که برق شهرت را می یابد (به دست می آورد).

۱۲۳- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | vindafarnah (v<sup>i</sup>idfrna)  
[وینده فرنا] ، مفرد، مذکر: نام یکی از پارسیان . — کسی که از هم می درد . از  
— dar = دریدن و پیشوند — vi = از هم .

۱۲۴- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | vispauzātīš  
[ویسپه اوزاتیش]، مفرد، مؤنث: نام شهری در پارت.

۱۲۵- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | vistāspa (v<sup>i</sup>istasp مادی)  
[ویستاسپه]، مفرد، مذکر: ویشناسپ (= گشتاسپ). نام پدردارپوش. تقریباً:  
کسی که اسبش بی زین و بر گتاست. vištāspahya (v<sup>i</sup>ištaspahya و v<sup>i</sup>štaspahya)  
حالت اضافه ، (v<sup>i</sup>istašpm) vištāšpm: حالت مفعول بی واسطه و به سوی  
ویشناسپ.

۱۲۶- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | vivāna (v<sup>i</sup>ivan) [وی وانه]، مفرد، مذکر:  
نام یکی از پارسیان. (v<sup>i</sup>ivanm) vivānam: حالت مفعول بی واسطه.

۱۲۷- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | vixanahya·viyaxanahya  
[وی یخنیه]، مفرد، مذکر: حالت اضافه ، ماه دوازدهم. تقریباً: ماه برداشت.  
از — xan = کندن اوستایی (ایرانی باستان: khan) و پیشوند — vi = از هم.

۱۲۸- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | vrkāna (vrkan) [ورکانه]، مفرد، مذکر:  
نام محلی در جنوب شرقی دریای خزر. گرگان امروز. اوستایی: vorka و ایرانی باستان  
= vrka گرگ.

۱۲۹- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | yauna (yun) [یه ئونه]، مفرد، مذکر: ایونی.  
(yuna) yaunā (ایونی ها، سرزمین ایونی، از ایونی .

۱۳۰- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | yutiyā (yutiya) [یوتی یا]، مفرد،  
مؤنث: نام محلی در شرق پارس.

۱۳۱- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | zāzāna (zazan) [زازانه]، مفرد،  
مذکر: نام شهری در نزدیکی فرات، بالای بابل.

۱۳۲- | = | 𐭪𐭩 𐭪𐭩 𐭪𐭩 | zranka (zrk) [زرنکه]، مفرد، مذکر: نام محلی در  
اطراف هامون. (zrka) zranka: اهالی زرنکه، زرنکی ها.